

Effectiveness of philosophy for children on moral competences of high school girl students in Gorgan

Roya Zaghi^{*}, Ghodsi Ahghar^{}**

Mohsen Imani Naeini^{*}**

Abstract

This study determined the Effectiveness of ‘philosophy for children’ education on moral competences of high school girl students in Gorgan. The method of the study is semi-experimental by using pretest-posttest plot and control and experimental groups. The statistical population included all high school girl students in Gorgan in the academic year 2019-2020. The experimental and control groups were each assigned 30 students by random sampling. The experimental group attended twelve 90-min education sessions. Data collection was performed via the Moral Competency Inventory Measurement Instrument by Martin and Austin (2010). Validity and reliability of the tool were confirmed according to experts’ ideas and Cronbach’s alpha coefficient (0.879), respectively. Data analysis was carried out through ANCOVA in SPSS (version 21). The results revealed that philosophy for education program has positive and significant effect on the students’ moral competences with the effect size of 0.911 ($F=585.763$; $p<0.05$). Furthermore, the findings of this study indicated the positive and significant effect of philosophy for education program on eight attributes of moral competences among the students. Therefore, it can be concluded that the use of indirect program such as philosophy for children can improve moral competences among students.

Keywords: Philosophy for children, moral competences, girl students, Gorgan.

* PhD Student in Philosophy of Education, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Zaghiroya@yahoo.com

** Professor of Research Institute for Education, Organization for Educational Research and Planning (OERP), Ministry of Education, Tehran, Iran (Corresponding Author) Ahghar2004@yahoo.com, Ahghar2004@gmail.com

*** Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, eimanim@modares.ac.ir

Date received: 26/01/2023, Date of acceptance: 04/05/2023



اثر بخشی آموزش فلسفه به کودکان بر صلاحیت‌های اخلاقی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر گرگان

رویا زاغی*

قدسی احقر**، محسن ایمانی نائینی***

چکیده

این پژوهش به مطالعه اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر صلاحیت‌های اخلاقی دانش‌آموزان دختر متوسطه شهر گرگان می‌پردازد. روش پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با دو گروه کنترل و آزمایش می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان دختر متوسطه شهر گرگان در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ است که ۳۰ نفر در گروه آزمایش و ۳۰ نفر در گروه کنترل به صورت تصادفی قرار گرفتند. گروه آزمایش به مدت ۱۲ جلسه ۱/۵ ساعته هفتگی (۹۰ دقیقه) آموزش دیدند. جمع‌آوری داده‌ها با پرسشنامه سنجش صلاحیت‌های اخلاقی مارتین و آستین (Martin & Austin 2010) انجام شد. روایی و پایایی پرسشنامه به ترتیب با نظرات کارشناسان و ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۷۹) تأیید شد. تحلیل داده‌ها با روش کوواریانس (ANCOVA) در نرم‌افزار SPSS (ویرایش ۲۱) انجام شد. یافته‌ها نشان داد که برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر صلاحیت اخلاقی دانش‌آموزان با اندازه اثر ۰/۹۱۱ تأثیر مثبت و معنی‌دار دارد ($F=585.763$; $p<0.05$). همچنین، تأثیر مثبت و معنی‌دار اجرای این برنامه بر هشت مؤلفه صلاحیت اخلاقی در بین دانش‌آموزان مشاهده شد. در نتیجه،

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

Zaghiroya@yahoo.com

** استاد پژوهشگاه مطالعات، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ایران

(نویسنده مسئول)، Ahghar2004@yahoo.com، Ahghar2004@gmail.com

*** دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، eimanim@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵



استفاده از برنامه‌های غیرمستقیم از قبیل فلسفه برای کودکان باعث ارتقاء صلاحیت‌های اخلاقی در بین دانش‌آموزان می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: فلسفه برای کودکان، صلاحیت‌های اخلاقی، دانش‌آموزان دختر، گرگان.

۱. مقدمه

دوران مدرسه، به خصوص در مقطع متوسطه، مرحله‌ای از زندگی با چالش‌های فراوان برای کودک و نوجوان می‌باشد و هرچند بیشتر دانش‌آموزان با موفقیت بر این چالش‌ها غلبه می‌کنند، برخی از آنها دچار مشکلات عدم سازگاری با این دوره می‌شوند (Calado et al. 2017: 398). رفتارهای سوء دانش‌آموزان نه تنها عملکرد کارآمد آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه تأثیر منفی بر سلامت آنها در درازمدت خواهد داشت. برای مثال، کودکانی که بیشتر دعوا می‌کنند و یا سرقت می‌کنند، احتمال بروز افسردگی، گرایش به مواد مخدر و اخراج از مدرسه در آنها بیشتر است (Cook et al. 2015: 97). از آنجایی که رفتارهای سوء دانش‌آموزان متوسطه، هزینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی بالایی را سبب می‌شود، یک نیاز مهم برای پیشگیری از رفتارهای مشکل‌زای اخلاقی در آنها احساس می‌شود (Shek & Zhu, 2018: 1). برخی از دارایی‌های درونی می‌توانند به عنوان عوامل حفاظت‌کننده برای کاهش وقوع این رفتارها در دانش‌آموزان عمل کنند (Lo et al. 2011: 48)، اما نقش عوامل رشدی از قبیل صلاحیت‌های اخلاقی (moral competences) در دانش‌آموزان متوسطه می‌تواند پررنگ‌تر باشد و لذا تحقیق در مورد روش‌های پرورش این عوامل حائز اهمیت فراوانی می‌باشد (Shek & Zhu, 2018: 2).

صلاحیت‌های اخلاقی را می‌توان به طور ساده به عنوان توانایی فرد برای انجام کارهای خوب تبیین نمود که نیازمند هوش اخلاقی (moral intelligence) (دانستن نحوه انجام کار خوب) و جهت‌گیری اخلاقی (moral orientation) (داشتن اراده برای انجام کار خوب) می‌باشد (Valor et al. 2020: 2). صلاحیت‌های اخلاقی به عنوان یک عامل چندوجهی در نظر گرفته می‌شود که دارای سه وجه اساسی می‌باشد: وجه عاطفی یا انگیزشی (affective or motivational) که تمایل به داشتن رفتار اخلاقی و انجام کار درست می‌باشد، وجه شناختی (cognitive) که توانایی استفاده از جهت‌گیری اخلاقی برای انجام کار خوب و اجتناب از کار بد به طور مستمر است و وجه رفتاری (behavioral) که رفتار بر اساس منطبق‌های مناسب می‌باشد (Cohen & Morse 2014: 44). ویژگی دیگر صلاحیت‌های اخلاقی این است که اساساً پدیده‌ای قابل‌آموختن می‌باشد (Valor et al. 2020: 3). بر اساس اصول فلسفه اخلاقی و روانشناسی

اثر بخشی آموزش فلسفه به کودکان بر ... (رویا زاغی و دیگران) ۱۴۷

اخلاقی، صلاحیت های اخلاقی امری اکتسابی بوده و با تمرین و ممارست ارتقاء پیدا می کنند (Morales-Sanchez & Cabello-Medina 2015: 157). یادگیری صلاحیت های اخلاقی نه تنها می تواند از طریق یادگیری صریح و ضمنی با مشاهده رفتار درست افراد دیگر رخ دهد، بلکه می تواند از طریق خودآزمایی (self-examination)، تعمق و خودتنظیمی آگاهانه (conscious self-regulation) حاصل شود (Crossan et al. 2013: 288). در گذشته، سنجش صلاحیت های اخلاقی با استفاده از مصاحبه هایی با سؤالات مبتنی بر دوراهی بود، اما بعد از آن، استفاده از روش های خودگزارشی (self-report) بر اساس پرسشنامه برای سنجش صلاحیت های اخلاقی پیشنهاد شده است (Wang et al. 2015: 2359).

در ایران، آموزش اخلاق در مدارس با استفاده از یک رویکرد مستقیم و در قالب درس هایی همچون بینش اسلامی و دین و زندگی اجرا می شود که البته کارایی چندانی در بهبود صلاحیت های اخلاقی دانش آموزان نداشته است (نویدیان و همکاران ۱۳۹۸: ۵۷). شاید به همین دلیل است که امروزه در نظام آموزشی ایران، پسرفت اخلاقی در بین دانش آموزان به طور گسترده رواج پیدا کرده است و ارزش هایی که به واسطه همین روش مستقیم در مدارس تبلیغ می شود، در واقع تبدیل به ضدارزش شده اند و تناسبی با زندگی روزمره دانش آموزان ندارند (عظیم پور و همکاران ۱۳۹۵: ۶۶). در نتیجه، استفاده از روش های ضمنی و غیرمستقیم که بتواند تضمین کننده رشد اخلاقی در مدارس و همچنین ارتقاء سطح صلاحیت های اخلاقی در بین دانش آموزان گردد بسیار مهم می باشد (خسروی و باقری ۱۳۸۷: ۸). یکی از این روش ها، برنامه آموزش فلسفه می باشد که می تواند اثربخشی بیشتری در ارتقاء سطح صلاحیت های اخلاقی در بین دانش آموزان داشته باشد (بدری گرگری و واحدی، ۱۳۹۴: ۶).

فلسفه برای کودکان (philosophy for children) که به طور خلاصه تحت عنوان P4C نیز شناخته می شود، یک برنامه آموزشی است که فرصت هایی را برای دانش آموزان فراهم می کند تا در مباحث فلسفی مشارکت فعال داشته باشند تا فعالیت های شناختی آنها در درازمدت بهبود پیدا کند (Yan et al. 2018: 13). این برنامه در اوایل دهه ۷۰ میلادی توسط متیو لیپمن (Matthew Lipman)، ان شارپ (Ann Sharp) و همکاران در مرکز توسعه فلسفه برای کودکان (the Institute for the Advancement of Philosophy for Children, IAPC) آغاز شد (van der Straten 2015: 273). لیپمن معتقد بود که فلسفه نباید فقط محدود به دانشگاه و تحقیقات آکادمیک باشد، بلکه کودکان در مقاطع ابتدایی نیز می توانند شروع به تفحص در حوزه فلسفه کنند تا شیوه تفکر و منطق را فرا گیرند (Yan et al. 2018: 13).

در حال حاضر، فلسفه برای کودکان به عنوان یک بستر غنی برای محققان به منظور اجرای ایده های مختلف آموزشی شناخته می شود (Yan et al. 2018: 14). همچنین، محققان در تلاش بوده اند تا فلسفه را برای دانش آموزانی که در شرایط مختلف فرهنگی، اجتماعی و آموزشی در سرتاسر جهان هستند، متناسب سازند (Di Masi & Santi 2016: 137). حتی، دامنه تحقیقات آموزش فلسفه برای کودکان آنقدر گسترش یافته که محتوای مناسب آن برای کودکان زیر ۶ سال هم تدوین شده است (Säre et al. 2016: 274).

فلسفه برای کودکان معمولاً در کلاس درس ارائه می شود و توسط معلم، مشاور یا روانشناس مدرسه اجرا می شود. طی این زمان، یک محرک فلسفی مثل یک داستان کوتاه یا یک کلیپ ویدیویی در اختیار دانش آموزان قرار داده می شود که موضوع فلسفی مورد نظر را معرفی می کند. محرک های فلسفی باعث تشویق بحث و یا همان دیالوگ فلسفی (philosophical dialogue) بین کودکان می شوند (Vansieleghem & Kennedy 2011: 173). در واقع، گفت و گو بواسطه این دیالوگ، نکته کلیدی فلسفه برای کودکان می باشد زیرا باعث تشکیل حلقه کندوکاو فلسفی (philosophical community of inquiry) می شود (Curtis et al. 2020: 2).

هدف اولیه فلسفه برای کودکان این بود که دانش آموزان بتوانند تفکر خود را بیان کرده و تفکر انتقادی را در خود پرورش دهند تا بتوانند در محیط آموزشی به موفقیت نائل آیند (Vansieleghem et al. 2014: 1301). به همین دلیل اکثر مطالعات انجام شده بر روی فلسفه برای کودکان بر اثربخشی آن روی عملکرد تحصیلی و شناختی کودکان تأکید داشته اند (Malboeuf-Hurtubise et al. 2021: 2). هرچند مزایای شناختی فلسفه برای کودکان به صورت مکرر در مطالعات مورد تأکید قرار گرفته است، اما تحقیقات اندکی بر روی پیامدهای مثبت روانشناختی آن بر روی کودکان انجام شده است.

برنامه آموزش فلسفه برای کودکان در ایران به منظور بهبود صلاحیت های اخلاقی دانش آموزان در مقاطع و سنین مختلف به کار گرفته شده است (عبداله پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۷). برای مثال، نویدیان و همکاران (۱۳۹۸: ۵۴) به این نتیجه رسیدند که اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان با استفاده از داستان های بومی، تأثیر مثبت و معنی داری بر رشد اخلاقی دانش آموزان مقطع ابتدایی دارد. این محققین هیچ اختلاف معنی داری بین دانش آموزان پسر و دختر از لحاظ تأثیر اجرای این برنامه بر رشد اخلاقی آنها مشاهده نکردند. جلیلیان و همکاران (۱۳۹۵: ۸۰) نیز تأثیر مثبت و معنی دار برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر قضاوت اخلاقی دانش آموزان ابتدایی را گزارش کردند و این محققین نیز اذعان داشتند که این

اثر بخشی آموزش فلسفه به کودکان بر ... (رویا زاغی و دیگران) ۱۴۹

نتایج تفاوتی بر حسب جنسیت شرکت کنندگان در این تحقیق نداشته است. تأثیر مثبت برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر قضاوت اخلاقی دانش آموزان پیشتر هم مورد تأکید قرار گرفته بود (مرعشی و همکاران، ۱۳۸۷: ۷). در مطالعه ای دیگر، بدری گرگری و واحدی (۱۳۹۴: ۱) اعلام کردند که استفاده از برنامه آموزش فلسفه برای کودکان موجب افزایش هوش اخلاقی در دانش آموزان دوره اول متوسطه شده است. اعتصامی و شفیع آبادی (۱۳۹۸: ۱) نیز بیان کردند که آموزش فلسفه به دانش آموزان پایه ششم دبستان باعث رشد اخلاقی آنها از طریق برانگیختن ذهن دانش آموزان به تفکر و استدلال در مفاهیمی چون اخلاق نیکو، وجدان و مسئولیت پذیری شده است. عبدالله پور و همکاران (۱۳۹۸: ۱۱۳) نیز اعلام کردند که آموزش فلسفه به کودکان تأثیر معنی داری بر رفتار و گفتار مستدل و منطقی، روحیه احترام به ارزش های اخلاقی و اجتماعی، احترام به دیگران و عزت نفس دانش آموزان مقطع ابتدایی داشته است. علی رغم همه این گزارشاتی که نشان دهنده نقش مثبت برنامه آموزش فلسفه بر ابعاد مختلف اخلاق در دانش آموزان هستند، عظیم پور و همکاران (۱۳۹۵: ۶۵) اعلام کردند که آموزش فلسفه به کودکان تأثیر مثبت معنی داری بر تحول اخلاقی دانش آموزان مقطع ابتدایی نداشته است و پیشنهاد کردند که اجرای برنامه آموزش فلسفه به دانش آموزان در ایران نیازمند تحقیقات و ملاحظات بیشتری می باشد. مشابه این نتیجه در مطالعه ای توسط سلیمان پور عمران و یساولی (۱۴۰۰: ۵۹) گزارش شد که بر اساس آن، آموزش فلسفه به کودکان تأثیر معنی داری بر قضاوت اخلاقی دانش آموزان مقطع ابتدایی نداشته است.

در مجموع می توان بیان کرد که اهمیت ارتقاء صلاحیت های اخلاقی دانش آموزان در سلامت روانی و موفقیت آنها در تحصیل بر هیچ کس پوشیده نیست. به نظر می رسد که روش های قدیمی و مستقیم که در حال حاضر در مدارس برای رشد اخلاقی دانش آموزان به کار برده می شود، کارایی لازم را نداشته و و باید امکان استفاده از روش های جدیدتری مثل برنامه آموزش فلسفه به کودکان در خط مشی امور آموزشی مدارس قرار گیرد. هرچند، نتایج گاه متناقض مطالعات انجام شده مبین آن است که تحقیقات بیشتری در مورد ابعاد مختلف استفاده از این برنامه در مدارس به منظور رشد اخلاقی دانش آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی مورد نیاز است تا بتوان با اتکا به نتایج این تحقیقات، این برنامه آموزشی را با توجه به ملاحظات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران با موفقیت در مدارس اجرا نمود. لذا پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این پرسش است که آیا آموزش فلسفه به کودکان باعث ارتقاء صلاحیت های اخلاقی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه در شهرستان گرگان می شود؟

۲. مبانی نظری و مروری بر پیشینه‌های پژوهشی مرتبط

صلاحیت‌های اخلاقی در ابتدا به عنوان یک نظام سه وجهی مشتمل بر وجه عاطفی یا انگیزشی، وجه شناختی و وجه رفتاری تبیین گردید (Cohen & Morse 2014: 44). اما بعدها وجه دیگری نیز برای صلاحیت‌های اخلاقی در نظر گرفته شد که تحت عنوان وجه موقعیتی (situational facet) شناخته می‌شود که در واقع خصوصیات مربوط به وضعیت فرد را در نظر می‌گیرد که صلاحیت اخلاقی در آن چهارچوب به‌طور خاص نمود پیدا می‌کند (Audi 2009: 2). یکی از بارزترین چارچوب‌های ارائه شده در مورد وجوه مختلف صلاحیت‌های اخلاقی، چهارچوب رست (Rest) می‌باشد که چهار فرآیند درونی را به عنوان عوامل ایجادکننده رفتارها و اعمال اخلاقی معرفی می‌کند: حساسیت اخلاقی (moral sensitivity) برای درک وجود یک مشکل اخلاقی؛ قضاوت اخلاقی (moral judgment) در ارتباط با نشان‌گذاری اخلاقی برای اقدامات محتمل؛ انگیزه اخلاقی (moral motivation) برای اولویت بندی ارزش‌های اخلاقی که باعث ارتقاء نیت‌های اخلاقی در فرد می‌شود؛ و اجرا (implementation) که شامل مهارت‌های اجتماعی و روانشناختی لازم برای اجرای اقدامات منتخب می‌باشد (Valor et al. 2020: 2). از سوی دیگر، مارتین و آستین (Martin & Austin 2010: 438) صلاحیت‌های اخلاقی در افراد را مبتنی بر هوش اخلاقی آنها می‌دانند و بر همین اساس، ابزار سنجش صلاحیت‌های اخلاقی را ارائه داده‌اند که البته در مطالعه حاضر نیز مورد استفاده قرار گرفت. این محققین بیان کردند که هوش اخلاقی منجر به کمال و صداقت (integrity) و مسئولیت‌پذیری (responsibility) به عنوان دو شاخصه کلیدی صلاحیت‌های اخلاقی در افراد می‌شود (Martin & Austin 2010: 440).

صلاحیت‌های اخلاقی را علاوه بر اینکه می‌توان به عنوان یک نظام چندوجهی مدنظر قرار داد، می‌توان ساختاری چندبُعدی دانست که هر یک از ابعاد می‌توانند به‌طور جداگانه بر ویژگی‌های اخلاقی فرد تأثیر بگذارند (Cohen et al. 2014: 945). به همین دلیل است که همیشه صلاحیت‌های اخلاقی به صورت جمع به کار برده می‌شود نه به صورت مفرد (Morales-Sanchez and Cabello-Medina, 2015: 158). برای مثال، در ابزار مورد استفاده در مطالعه حاضر نیز، صلاحیت‌های اخلاقی با هشت بُعد مختلف در نظر گرفته شده است که هر یک از این ابعاد به‌طور جداگانه مورد نظر قرار گرفته و تأثیر آنها بر متغیرهای وابسته نیز به صورت جداگانه بررسی می‌شود. یک ویژگی دیگر صلاحیت‌های اخلاقی، قابل‌یادگیری بودن و اکتسابی بودن آن است، طوری که از دیدگاه فلسفه اخلاقی و روانشناسی اخلاقی این باور وجود دارد که صلاحیت‌های اخلاقی را می‌توان با تمرین ارتقاء داد (Cohen et al. 2014: 945).

که البته نیازمند خبرگی در وجه های ذکر شده در بالا به منظور یکپارچه کردن صلاحیت های اخلاقی می باشد (3: Valor et al. 2020).

به طور کلی، دو مفهوم در مورد صلاحیت های اخلاقی را می توان در نظر گرفت: چهارچوب اجتماعی-شناختی (social-cognitive framework) و رویکرد تقوا (virtue approach). در چهارچوب اجتماعی-شناختی، بلوغ اخلاقی به عنوان ظرفیت فرد برای اتخاذ تصمیمات و قضاوت های اخلاقی و عمل بر اساس آن قضاوت ها می باشد. اما در رویکرد تقوا، صلاحیت های اخلاقی در بین کودکان و نوجوانان را می توان بر اساس ویژگی های رفتاری خوب تبیین نمود که در آن، ویژگی رفتاری خوب به گروهی از ویژگی های مثبت اطلاق می شود که در افکار، احساسات و رفتار فرد تجلی پیدا می کند (2: Shek & Zhu, 2018). علی رغم تفاوت های موجود بین این دو رویکرد، آنها مشخصات مشترکی هم به خصوص از لحاظ ارتباط بین صلاحیت اخلاقی و رشد و نمو کودکان و نوجوانان دارند، به طوری که اگر قضاوت اخلاقی در کودک و نوجوان رشد کاملی نداشته باشد، این امر می تواند منجر به بروز رفتار غیراخلاقی در او شود (698: Stams et al. 2006).

بر اساس چارچوب اجتماعی-شناختی، یک فرآیند شناختی خاص در مورد قضاوت اخلاقی، منطق اخلاقی می باشد که الگویی را فراهم می کند که بر اساس آن الگو، یک بحث و یا یک تصمیم قطعی اتخاذ می شود. مادامی که فرد از کودکی به سوی بزرگسالی در حال رشد است، منطق اخلاقی او نیز طی یک فرآیند شش مرحله ای توسعه پیدا می کند که از یک مرحله پایین تر که با تفکر خودمحور (egocentric) شناخته می شود به مراحل بالاتر که شامل تفکر اجتماعی محور (social oriented) می رود (2: Shek & Zhu, 2018). اما در رویکرد تقوا، صلاحیت اخلاقی کودکان و نوجوانان به عنوان یک سازه شبه مشخصه ای (trait-like) در نظر گرفته می شود. صلاحیت اخلاقی در بین کودکان و نوجوانان را می توان از لحاظ ویژگی ها و شاخصه های خوب رفتاری تبیین نمود که به مجموعه ای از رفتارها و مشخصه های مثبت اطلاق می شود که به طور مستمر توسط جامعه ارزشمند تلقی می شود (Park & Peterson 2006: 891). در واقع، رشد و نمو مثبت در کودکان و نوجوانان به منزله توسعه صلاحیت اخلاقی به عنوان تجلی از حس خوب و بد و یا حس اخلاقی و عدالت اجتماعی در فرد می باشد (99: Catalano et al. 2004). البته قابل ذکر است که رویکرد تقوا را نمی توان به عنوان یک عامل قطعی برای همه زمینه های مختلف در نظر گرفت زیرا عوامل بیرونی از جمله، فرهنگ های مختلف کشورها تأثیر قابل ملاحظه ای بر روی آن می گذارند و در نتیجه، در نظرگیری

زمینه‌های بیرونی، به خصوص زمینه های فرهنگی، در زمان بررسی صلاحیت های اخلاقی براساس رویکرد تقوا، حائز اهمیت بسزایی است (Shek & Zhu, 2018: 2). برای مثال، لیو و همکاران (Liu et al. 2016: 167) در مقایسه صلاحیت های اخلاقی کودکان و نوجوانان چینی و غربی، ویژگی های متفاوتی را مشاهده کردند و اعلام کردند که هر یک از این کودکان و نوجوانان از زمینه های فرهنگی مختلف در تعداد خاصی از صلاحیت های اخلاقی نسبت به گروه دیگر برتری دارند.

برنامه فلسفه برای کودکان به منزله موضوع درسی به کودکان نیست، بلکه هدف این است که از طریق گفتگوهای کلاسی روش فلسفی را به کودکان آموزش دهد؛ روش فلسفی یعنی روش تحقیق مدلل و تحلیل منطقی که اغلب به منزله روش سقراطی از آن نام برده می شود (نادری و همکاران ۱۳۹۱: ۱۳). فلسفه برای کودکان یک رویکرد عملگرا می باشد که کودکان را در فرآیند تحقیقات فلسفی وارد می کند و این مهم از طریق ابزارهای شناختی، اجتماعی و روانشناختی حاصل می شود. این فرآیند به عنوان یک محیط امن شناخته می شود که در آن کودکان می توانند پرسشگری، پاسخ به مسائل، منطقی، اندیشیدن، تفحص در مورد فرضیه های مختلف و مواجهه با پیچیدگی ها را بیاموزند (Malboeuf-Hurtubise et al. 2021: 2). طی فعالیت های فلسفه برای کودکان، نقش معلم این است که پرسش های با پایان باز از کودکان بپرسد تا آغاز دیالوگ فلسفی را سبب شود و همچنین محیط احساسی حمایتی را برای دانش آموزان فراهم سازد تا مسائل مختلف را مورد کاوش قرار دهند (Humberto et al. 2022: 169). بنابراین، فلسفه برای کودکان محیطی را در اختیار دانش آموزان قرار می دهد که در آن بتوانند نحوه استنباط کردن در مورد تجارب مختلف خود را بیاموزند. فلسفه برای کودکان نه تنها به دانش آموزان این امکان را می دهد تا مهارت هایشان را برای ایجاد تفکرات از طریق دیالوگ های فلسفی ارتقاء بخشند، بلکه به آنها می آموزد که چگونه ارزش ها و هنجارهای اخلاقی خود را مورد کنکاش قرار دهند (Malboeuf-Hurtubise et al. 2021: 3). همچنین، فلسفه برای کودکان به آنها کمک می کند تا مهارتهای تفکر انتقادی را در خود توسعه دهند (Rombout et al. 2022: 2).

در ادامه، خلاصه ای از برخی پژوهش های انجام شده در داخل خارج از کشور مورد تأثیر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان برای ابعاد مختلف اخلاقی دانش آموزان ارائه می گردد.

اثر بخشی آموزش فلسفه به کودکان بر ... (رویا زاغی و دیگران) ۱۵۳

جدول ۱. پیشینه داخلی و خارجی مرتبط با تأثیر برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر روی ابعاد اخلاقی دانش آموزان

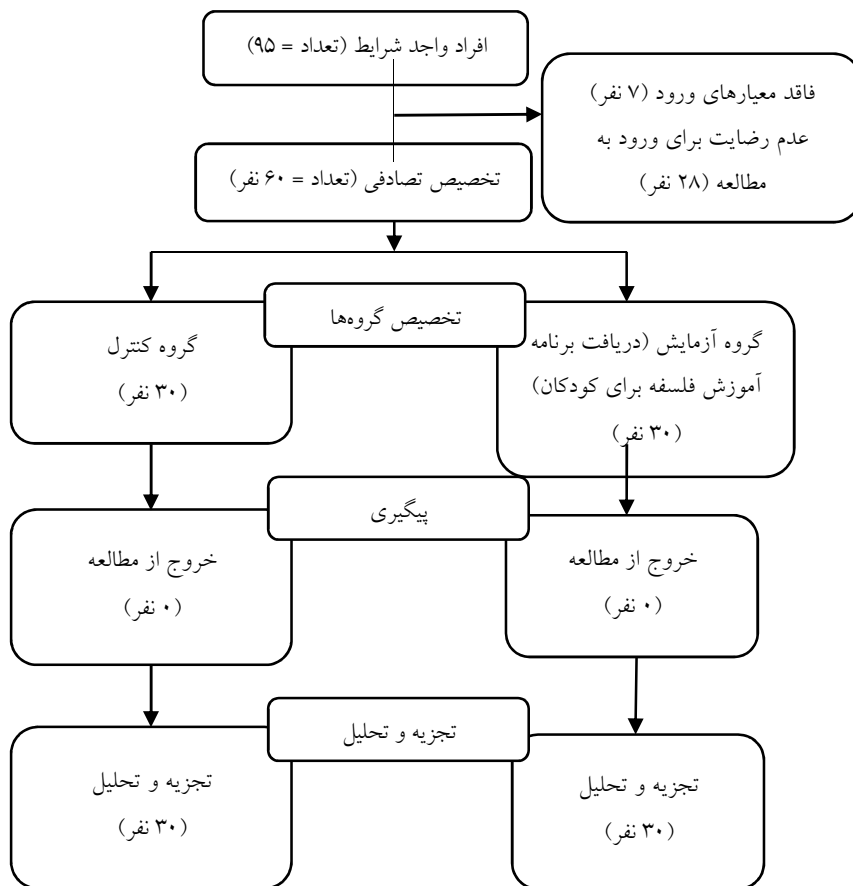
سال انتشار	پژوهشگران	یافته	عنوان پژوهش
۱۴۰۰	سلیمان پور عمران و یساولی	عدم تأثیر معنی دار آموزش فلسفه به کودکان بر قضاوت اخلاقی دانش آموزان مقطع ابتدایی	تأثیر برنامه درسی P4C (فلسفه برای کودکان) بر عشق به یادگیری و قضاوت اخلاقی کودکان
۱۳۹۸	نویدیان و همکاران	تأثیر مثبت و معنی دار برنامه آموزش فلسفه برای کودکان با داستان های بومی بر رشد اخلاقی دانش آموزان	تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان با استفاده از داستانهای بومی در رشد اخلاقی دانش آموزان ابتدایی
۱۳۹۸	اعتصامی و شفیع آبادی	رشد اخلاقی دانش آموزان با آموزش فلسفه از طریق برانگیختن ذهن آنها به تفکر در مورد مفاهیم اخلاقی	اثر بخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر رشد اخلاقی دانش آموزان پسر پایه ششم دبستان
۱۳۹۸	عبداله پور و همکاران	تأثیر معنی دار آموزش فلسفه به کودکان بر روحیه احترام به ارزش های اخلاقی	تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان (فبک) بر نگرش اخلاقی دانش آموزان و تبیین مؤلفه های آن از منظر قرآن
۱۳۹۵	جلیلیان و همکاران	تأثیر مثبت و معنی دار برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر قضاوت اخلاقی دانش آموزان ابتدایی	اثر بخشی برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش توانایی حل مسأله و قضاوت اخلاقی در دانش آموزان
۱۳۹۵	عظیم پور و همکاران	عدم تأثیر مثبت معنی دار آموزش فلسفه به کودکان بر تحول اخلاقی دانش آموزان مقطع ابتدایی	بررسی اثر گذاری آموزش فلسفه به کودکان بر تحول اخلاقی دانش آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی در شهر تهران
۱۳۹۴	بدری گرگری و واحدی	افزایش هوش اخلاقی در دانش آموزان دوره اول متوسطه توسط برنامه آموزش فلسفه برای کودکان	تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر رشد هوش اخلاقی دانش آموزان دختر
۱۳۸۷	مرعشی و همکاران	تأثیر مثبت برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر قضاوت اخلاقی دانش آموزان	امکان سنجی اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان در برنامه درسی دوره ابتدایی
۲۰۲۲	Cassidy	ارتقاء وضعیت اخلاقی دانش آموزان با اجرای برنامه فلسفه برای کودکان با راه و رسم درست زندگی و هدفمندی	فلسفه برای کودکان به عنوان آموزش اخلاقی
۲۰۲۱	Lam	تأثیر مثبت آموزش فلسفه برای کودکان بر قدرت ایجاد دیالوگ های اخلاقی بین معلمان و دانش آموزان	تأثیر فلسفه برای کودکان بر توسعه کاری معلمان
۲۰۲۱	Jensen	تأثیر مثبت برنامه فلسفه برای کودکان بر اخلاق دانش آموزان از دیدگاه معلمان	تأثیر فلسفه برای کودکان از دیدگاه معلمان

۲۰۲۰	Zulkifli & Hashim	بهبود اخلاقیات در دانش آموزان از طریق بهبود تفکر انتقادی بواسطه برنامه فلسفه برای کودکان	فلسفه برای کودکان (P4C) در بهبود تفکر انتقادی در یک کلاس آموزش اخلاق در مقطع متوسطه
۲۰۲۰	Mehdiyev & Yarali	افزایش گرایش کودکان به ارزش های انسانی با اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان	اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر گرایش آنها به ارزشهای انسانی
۲۰۱۸	Yan et al.	رشد اخلاقی دانش آموزان با بهبود مهارت های استدلال بواسطه برنامه فلسفه برای کودکان	متاآنالیز اثربخشی برنامه های فلسفه برای کودکان بر بازده شناختی دانش آموزان
۲۰۱۸	Cassidy et al.	بهبود خودتنظیمی و مشارکت فعالانه در مباحث اخلاقی پس از اجرای برنامه فلسفه برای کودکان	فلسفه برای کودکان، خودتنظیمی و مشارکت فعالانه برای کودکان با نیازهای عاطفی-رفتاری و اجتماعی

در مجموع، با توجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیق، دو خلاء نظری عمده را می توان در نظر گرفت. اول اینکه، به طور کلی تحقیقات اندکی در مورد تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان در ارتقاء صلاحیت های اخلاقی در بین کودکان و نوجوانان و دانش آموزان انجام شده است که با توجه به اهمیت ارتقاء صلاحیت های اخلاقی در دانش آموزان برای کاهش بزه در بین آنها و همچنین افزایش بهره وری در نسل های آینده، تحقیق در این حوزه اهمیت بسزایی پیدا می کند. خلاء تحقیقاتی دیگر نیز به تأثیر زمینه های جغرافیایی و فرهنگی در این حوزه برمی گردد به این صورت که علی رغم تحقیقات انجام شده در نقاط مختلف جهان و نتایج حاصل، نمی توان با قطعیت این نتایج را به کشور خود تعمیم داد زیرا همانطور که در قسمت مبانی نظری بیان شد، صلاحیت های اخلاقی بر اساس رویکرد تقوا، تحت تأثیر زمینه های فرهنگی کودکان و نوجوانان قرار می گیرند. لذا تحقیق در این حوزه برای بررسی آن با توجه به زمینه های فرهنگی کشورمان نیز حائز اهمیت می باشد فرضیه های پژوهش حاضر به شکل زیر در نظر گرفته می شود:

۱. اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان باعث افزایش معنی دار صلاحیت های اخلاقی در دانش آموزان دختر دوره متوسطه می گردد.
۲. اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان باعث افزایش معنی دار مؤلفه مراقبت فعال از دیگران در دانش آموزان دختر دوره متوسطه می گردد.
۳. اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان باعث افزایش معنی دار مؤلفه انجام عمل اخلاقی در دانش آموزان دختر دوره متوسطه می گردد.

مشخص شد. بیشترین فراوانی دوره تحصیلی شامل ۴۲ نفر معادل ۷۰ درصد مربوط به دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه و کمترین فراوانی با ۱۸ نفر معادل ۳۰ درصد مربوط به دانش‌آموزان دوره اول متوسطه بود. معیارهای اصلی ورود به این تحقیق شامل نداشتن اختلال روانی و جسمانی حاد، عدم مصرف داروهای روانی و تکمیل فرم رضایتنامه بود. همچنین معیارهای اصلی خروج از تحقیق شامل عدم همکاری و حضور نامرتب در جلسات بود. همچنین، احترام به حریم شخصی بقیه شرکت‌کنندگان، رعایت اصل رازداری، داشتن حق انتخاب برای خروج از فرآیند تحقیق و حضور داوطلبانه و غیراجباری دانش‌آموزان در جلسات و کسب رضایت آگاهانه آنها از اصول و ملاحظات اخلاقی در تحقیق حاضر بود.



شکل ۱. نمودار فرآیند اجرای تحقیق بر اساس معیار CONSORT

اثر بخشی آموزش فلسفه به کودکان بر ... (رویا زاغی و دیگران) ۱۵۷

ابزار اندازه گیری جهت جمع آوری داده ها در پژوهش حاضر، پرسشنامه سنجش صلاحیت اخلاقی (the Moral Competency Inventory Measurement Instrument) مارتین و آستین (Martin & Austin 2010) بود که دارای ۳۹ پرسش ۵ گزینه ای در ۸ خرده مقیاس مراقبت فعال از دیگران (Active care of others)، انجام عمل اخلاقی (Taking ethical action)، تعهد به عمل درست (Obligation to the truth)، خودبخودگی (Self-forgiveness)، تصدیق اشتباهات خود (Owning ones mistakes)، پذیرش اشتباهات خود (Accepting own mistakes)، پذیرش اشتباهات دیگران (Accepting others mistakes) و مورد اعتماد دیگران بودن (Having others trust) می باشد (جدول ۳). محتوای برخی از سؤالات نیز تغییرات جزئی داده شد تا متناسب با جامعه آماری پژوهش حاضر که دانش آموزان مقطع متوسطه هستند، گردد. تطبیق نمرات متغیرها با سطح آنها به این ترتیب بود که نمرات ۳۹-۲۰، ۵۹-۴۰، ۷۹-۶۰، ۸۹-۸۰ و ۱۰۰-۹۰ به ترتیب نشان دهنده سطوح خیلی کم، کم، متوسط، بالا و خیلی بالا بود.

جدول ۳. پرسشنامه سنجش صلاحیت اخلاقی بر حسب خرده مقیاس ها و سوال ها

آلفای کرونباخ	سوال هایی که خرده مقیاس ها را می سنجند	تعداد سؤال ها	خرده مقیاس ها
۰/۷۶۹	که به وسیله سوال های ۱،۲،۳،۴،۵،۶ اندازه گیری شد.	۶	مراقبت فعال از دیگران
۰/۸۶۴	که به وسیله سوال های ۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳ اندازه گیری شد.	۷	انجام عمل اخلاقی
۰/۸۴۴	که به وسیله سوال های ۱۴،۱۵،۱۶،۱۷ اندازه گیری شد.	۴	تعهد به عمل درست
۰/۹۲۴	که به وسیله سوال های ۱۸،۱۹،۲۰ اندازه گیری شد.	۳	خودبخودگی
۰/۸۱۲	که به وسیله سوال های ۲۱،۲۲،۲۳،۲۴ اندازه گیری شد.	۴	تصدیق اشتباهات خود
۰/۸۹۵	که به وسیله سوال های ۲۵،۲۶،۲۷،۲۸،۲۹،۳۰ اندازه گیری شد.	۶	پذیرش اشتباهات خود
۰/۹۰۳	که به وسیله سوال های ۳۱،۳۲،۳۳،۳۴،۳۵،۳۶،۳۷ اندازه گیری شد.	۷	پذیرش اشتباهات دیگران
۰/۹۴۵	که به وسیله سوال های ۳۸،۳۹ اندازه گیری شد.	۲	مورد اعتماد دیگران بودن

به منظور تأیید روایی، پرسشنامه مورد نظر همراه با اهداف و فرضیه های مطالعه به رؤیت تعدادی (۱۰ نفر) از متخصصان و صاحب نظران در زمینه تحقیق حال حاضر رسید و در نهایت تأیید شد. به منظور بررسی و تأیید پایایی، پرسشنامه ابتدا در بین ۶۰ نفر از دانش آموزان به صورت تصادفی اجرا شد و پایایی آن با استفاده از فرمول ضریب همسان درونی سوالها (آلفای کرونباخ) سنجیده و مقدار آن برابر ۰/۸۷۹ محاسبه شد.

به منظور اجرای پژوهش حاضر، پس از انتصاب تصادفی گروه‌ها به حالت آزمایشی و کنترل، ابتدا پرسشنامه صلاحیتهای اخلاقی روی دانش‌آموزان اجرا شد؛ سپس برنامه آموزش فلسفه برای کودکان روی گروه آزمایش اجرا شد، به این صورت که دانش‌آموزان گروه آزمایش به مدت ۱۲ جلسه ۱/۵ ساعته هفتگی (۹۰ دقیقه) آموزش دیدند. برای اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان از قصه‌های گردآوری شده در مجموعه داستان‌های فکری (Thinking Stories) ۱، ۲ و ۳ استفاده شد. این مجموعه دربرگیرنده داستان‌هایی است که فیلیپ کم (Philip Cam)، از اساتید فلسفه برای کودکان، به همین منظور تألیف کرده است. در انتخاب داستان‌ها سعی شد از داستان‌هایی استفاده شود که دارای بار اخلاقی لازم برای هدف پژوهش باشند. در تمامی جلسات دانش‌آموزان در حلقه‌های کندوکاو گرد پژوهشگر می‌نشستند، متن داستان فلسفی از پیش تعیین شده بر اساس کتابچه راهنما را می‌خواندند و پس از آن درباره داستان مطرح شده بحث و گفتگو می‌کردند. مشارکت کنندگان رو در روی یکدیگر می‌نشستند تا یکدیگر را ببینند و صدای هم را بشنوند (جدول ۴).

جدول ۴. جلسات برنامه آموزش فلسفه به کودکان

جلسات	عنوان داستان	اهداف و ابعاد موردنظر
جلسه اول	مقدمه یا سرآغاز	راهنمایی کلی در مورد جلسات و داستان‌ها و همچنین فعالیت‌های مربوط به جلسات مراقبت فعال از دیگران، انجام عمل اخلاقی
جلسه دوم	تامی و لاک پشت زمان	مراقبت فعال از دیگران، تعهد به عمل درست، خودبخودگی
جلسه سوم	شبی زیر ستارگان	انجام عمل اخلاقی و مورد اعتماد بودن
جلسه چهارم	چاقو	تصدیق اشتباهات خود، پذیرش اشتباهات خود، پذیرش اشتباهات دیگران
جلسه پنجم	مردمی که با چشم، گوش، بینی و دهان هایشان خداحافظی کردند	مراقبت فعال از دیگران، انجام عمل اخلاقی، مورد اعتماد دیگران بودن
جلسه ششم	روی ایوان	تعهد به عمل درست، مورد اعتماد دیگران بودن
جلسه هفتم	بد خلقی	مراقبت فعال از دیگران، انجام عمل اخلاقی، تصدیق اشتباهات خود، پذیرش اشتباهات خود

جلسه هشتم	ارتباط	مراقبت فعال از دیگران، پذیرش اشتباهات دیگران، انجام عمل اخلاقی
جلسه نهم	مردی که نمی توانست صورتش را کنترل کند	مورد اعتماد دیگران بودن، تعهد به عمل درست، انجام عمل اخلاقی
جلسه دهم	دعوا	مراقبت فعال از دیگران، انجام عمل اخلاقی، تصدیق اشتباغات خود، پذیرش اشتباهات خود، پذیرش اشتباهات دیگران
جلسه یازدهم	بالدار	انجام عمل اخلاقی، تعهد به عمل درست، خودبخودگی
جلسه دوازدهم	ترول	تعهد به عمل درست، انجام عمل اخلاقی، مورد اعتماد دیگران بودن

از هر دو گروه کنترل و آزمایش پیش و پس آزمون گرفته شد و تفاوت میانگین نمرات پس آزمون و پیش آزمون گروه آزمایشی و گروه کنترل با هم مقایسه شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های جمع آوری شده از آمار توصیفی و تحلیل کوواریانس استفاده شد. پیگیری از لحاظ زمانی برای مقایسه پیش آزمون و پس آزمون با استفاده از آزمون بن فرونی انجام شد. برای استفاده از آزمون کوواریانس، پیش فرض‌های این آزمون مورد بررسی و تأیید قرار گرفت: کمیت وابسته (dependent variable) و کمکی (covariate) در مقیاس پیوسته اندازه گیری شدند؛ کمیت مستقل از چند گروه طبقه بندی شده مستقل تشکیل شده است؛ مشاهدات و افراد از یکدیگر مستقل بودند و در هر گروه افراد متفاوتی حضور داشتند؛ نقطه پرت (outlier data) در داده‌ها مشاهده نشد؛ برای تأیید شرط همگونی واریانس‌ها از آزمون لوین استفاده شد؛ به منظور تأیید شرط هم واریانس (homoscedasticity)، از آزمونهای بروش-پاگان (Breusch-Pagan) و وایت (White's test) استفاده شد؛ در نهایت به منظور تأیید عدم معنی دار بودن اثر متقابل بین متغیرهای مستقل (independent variable) و کمکی، همگنی شیب‌های رگرسیونی مورد بررسی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم افزار SPSS (ویرایش ۲۶) انجام گرفت.

۴. یافته‌ها

بر اساس نتایج نشان داده شده در جدول ۵، شاخص‌های مرکزی نما، میانه، میانگین برای صلاحیت اخلاقی دانش آموزان پیش از ارائه آموزش فلسفه به دلیل نزدیک بودن مقدار عددی آن با یکدیگر، حکایت از گرایش به توزیع نرمال دارد. حداقل نمره ۹۳ و حداکثر آن

۱۶۰ تفکر و کودک، سال ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۱۲۷ می باشد بنابراین، دامنه توزیع نمره برابر با ۳۴ نمره می باشد. بیشترین میزان میانگین در بین مؤلفه های صلاحیت اخلاقی (۱۹/۰۰) به مؤلفه پذیرش اشتباهات دیگران و کمترین میزان آن نیز (۵/۳۶) به مؤلفه مورد اعتماد دیگران بودن اختصاص دارد. همچنین، شاخص های مرکزی نما، میانه، میانگین برای نمره صلاحیت اخلاقی دانش آموزان پس از ارائه آموزش فلسفه به دلیل نزدیک بودن مقدار عددی آن با یکدیگر، حکایت از گرایش به توزیع نرمال دارد. حداقل نمره ۹۵ و حداکثر آن ۱۸۰ می باشد بنابراین، دامنه توزیع نمره برابر با ۸۵ می باشد. بیشترین میزان میانگین در بین مؤلفه های صلاحیت اخلاقی (۲۴/۷) به مؤلفه انجام عمل اخلاقی و کمترین میزان آن نیز (۷/۰۶) به مؤلفه مورد اعتماد دیگران بودن اختصاص دارد.

جدول ۵. بررسی توزیع شاخص های مرکزی و پراکندگی متغیر صلاحیت اخلاقی پیش و پس از ارائه آموزش فلسفه

ضریب کشیدگی	ضریب کجی	انحراف معیار	واریانس	میانگین	ماده	فرد	دامنه تغییرات	کمترین فراوانی	بیشترین فراوانی		
۱/۲۴	۰/۹۴	۶/۷۰	۴۴/۹۷	۱۰۳/۲۵	۱۰۲	۹۸	۳۴	۹۳	۱۲۷	پیش از مداخله	صلاحیت اخلاقی
-۱/۸۷	-۰/۰۶	۳۷/۹۹	۱۴۴۳/۶۰	۱۳۷/۰۸	۱۶۶	۹۷	۸۵	۹۵	۱۸۰	پس از مداخله	
۱/۴۲	۰/۸۷	۱/۸۸	۳/۵۴	۱۵/۶۸	۱۵	۱۵	۱۰	۱۲	۲۲	پیش از مداخله	مراقبت فعال از دیگران
-۱/۸۶	-۰/۰۲	۵/۸۰	۳۳/۷۲	۲۱	۲۳	۱۵	۱۷	۱۳	۳۰	پس از مداخله	
۱/۰۴	۰/۸۹	۱/۹۲	۳/۷۱	۱۸/۱۰	۱۸	۱۷	۱۰	۱۴	۲۴	پیش از مداخله	انجام عمل اخلاقی
-۱/۹۵	-۰/۰۵	۷/۱۳	۵۰/۹۲	۲۴/۷	۲۹	۱۷	۱۹	۱۶	۳۵	پس از مداخله	
۰/۹۷	۱/۴۹	۱/۶۸	۲/۸۳	۱۰/۵۱	۱۰	۱۰	۱۰	۷	۱۷	پیش از مداخله	تعهد به عمل درست
-۱/۸۳	۰/۰۰۷	۴/۱۱	۱۶/۹۶	۱۴/۲۳	۱۶	۱۰	۱۱	۹	۲۰	پس از مداخله	
۱/۵۳	۰/۸۱	۱/۳۱	۱/۷۲	۸/۰۳	۸	۸	۶	۶	۱۲	پیش از مداخله	خودبخشودگی
-۱/۷۱	-۰/۰۳	۳/۰۲	۹/۱۶	۱۰/۵۳	۱۱/۵	۱۴	۹	۶	۱۵	پس از مداخله	

اثر بخشی آموزش فلسفه به کودکان بر ... (رویا زاغی و دیگران) ۱۶۱

۱/۱۷	۱/۲۶	۱/۸۱	۳/۲۸	۱۰/۶۳	۱۰	۱۰	۱۱	۸	۱۹	پیش از مداخله	تصدیق اشتباهات خود
-۱/۸۹	-۰/۰۶	۳/۸۳	۱۳/۹۳	۱۳/۸۸	۱۵/۵	۱۰	۱۱	۸	۱۹	پس از مداخله	
۱/۴۹	۰/۹۹	۲/۰۰	۴/۰۱	۱۵/۹۱	۱۵	۱۵	۱۰	۱۲	۲۲	پیش از مداخله	پذیرش اشتباهات خود
-۱/۸۹	-۰/۰۳۹	۶/۰۴	۳۶/۵۷	۲۱/۰۳	۲۳/۵	۲۷	۱۷	۱۳	۳۰	پس از مداخله	
۰/۲۴	۰/۹۳	۲/۰۴	۴/۱۶	۱۹/۰۰	۱۸	۱۸	۹	۱۶	۲۵	پیش از مداخله	پذیرش اشتباهات دیگران
-۱/۸۸	-۰/۰۰۸	۷/۲۴	۵۲/۴۷	۲۴/۶۳	۲۸	۱۷	۲۰	۱۵	۳۵	پس از مداخله	
۱/۰۲	۱/۰۰	۱/۰۴	۱/۰۸	۵/۳۶	۵	۵	۶	۴	۱۰	پیش از مداخله	مورد اعتماد دیگران بودن
-۱/۴۳	۰/۰۶	۱/۹۳	۳/۷۵	۷/۰۶	۶/۵	۵	۶	۴	۱۰	پس از مداخله	

در پژوهش حاضر متغیرها نرمال و همگنی واریانسها و همگنی رگرسیون وجود دارد. نتایج مربوط به آزمون لوین هم حاکی از همگنی واریانس ها می باشد (جدول ۶) زیرا مقدار سطح معنی داری در همه موارد بزرگتر از $p > 0/05$ می باشد و لذا می توان با ۹۵ درصد اطمینان بیان نمود که شرط همگنی واریانس ها بر اساس این آزمون برقرار بوده و استفاده از تحلیل کوواریانس مجاز می باشد. همچنین، نتایج آزمون های بروش-پاگان و وایت نشان می دهد که ناهم واریانسی (heteroscedasticity) برای همه متغیرهای تحقیق غیرمعنی دار می باشد ($p > 0/05$) (جدول ۷) و در نتیجه می توان بیان کرد که پیش فرض هم واریانسی برای تجزیه و تحلیل کوواریانس تأیید می شود. در نهایت، نتایج حاصل از بررسی همگنی شیب های رگرسیونی نشان می دهد که اثرات متقابل بین متغیرهای مستقل و کمکی، معنی دار نمی باشد ($p > 0/05$) (جدول ۸) و پیش فرض عدم معنی دار بودن اثر متقابل بین متغیرهای مستقل و کمکی نیز تأیید می شود. در نتیجه، تحلیل فرضیه های پژوهش با استفاده از روش تحلیل کوواریانس یک راهه (ANCOVA) انجام گردید و نتایج آن در جدول ۹ نشان داده شده است.

جدول ۶. نتایج آزمون لوین برای نمرات صلاحیت های اخلاقی و مؤلفه های آن به منظور بررسی همگنی واریانس ها

سطح معنی داری	درجه آزادی دوم	درجه آزادی اول	F	
۰/۲۷۶	۵۸	۱	۱/۲۱۲	صلاحیت اخلاقی
۰/۶۰۸	۵۸	۱	۰/۲۶۶	مراقبت فعال از دیگران
۰/۶۷۲	۵۸	۱	۰/۱۸۱	انجام عمل اخلاقی
۰/۸۵۵	۵۸	۱	۰/۰۳۴	تعهد به عمل درست
۰/۹۴۰	۵۸	۱	۰/۰۰۶	خودبخشودگی
۰/۴۷۷	۵۸	۱	۰/۵۱۳	تصدیق اشتباهات خود
۰/۴۴۷	۵۸	۱	۰/۵۸۶	پذیرش اشتباهات خود
۰/۹۶۳	۵۸	۱	۰/۰۰۲	پذیرش اشتباهات دیگران
۰/۹۵۶	۵۸	۱	۰/۰۰۳	مورد اعتماد دیگران بودن

جدول ۷. نتایج آزمونهای بروش-پاگان و وایت برای تأیید شرط هم واریانسی

سطح معنی داری	درجه آزادی	Chi-Square		
۰/۳۵۱	۱	۰/۸۷۰	بروش-پاگان	صلاحیت اخلاقی
۰/۱۶۰	۴	۶/۵۸۲	وایت	
۰/۵۰۱	۱	۰/۴۵۲	بروش-پاگان	مراقبت فعال از دیگران
۰/۵۵۵	۴	۳/۰۱۷	وایت	
۰/۴۰۲	۱	۰/۷۰۲	بروش-پاگان	انجام عمل اخلاقی
۰/۵۹۱	۴	۲/۸۰۳	وایت	
۰/۴۸۹	۱	۰/۴۷۸	بروش-پاگان	تعهد به عمل درست
۰/۴۰۷	۴	۳/۹۹۳	وایت	
۰/۵۱۲	۱	۰/۴۳۱	بروش-پاگان	خودبخشودگی
۰/۶۷۷	۴	۲/۳۱۹	وایت	
۰/۲۹۰	۱	۱/۱۲۲	بروش-پاگان	تصدیق اشتباهات خود
۰/۷۹۳	۴	۱/۶۸۸	وایت	
۰/۴۷۰	۱	۰/۵۲۲	بروش-پاگان	پذیرش اشتباهات خود
۰/۷۴۴	۴	۱/۹۵۳	وایت	

اثر بخشی آموزش فلسفه به کودکان بر ... (رویا زاغی و دیگران) ۱۶۳

۰/۵۱۴	۱	۰/۴۲۶	بروش-پاگان	پذیرش اشتباهات دیگران
۰/۳۵۷	۴	۴/۳۷۷	وایت	
۰/۷۷۵	۱	۰/۰۸۲	بروش-پاگان	مورد اعتماد دیگران بودن
۰/۱۴۸	۴	۶/۷۸۷	وایت	

جدول ۸. نتایج بررسی همگنی شیب های رگرسیونی به منظور تأیید عدم معنی دار بودن اثر متقابل بین متغیرهای مستقل و کمکی

سطح معنی داری	درجه آزادی	F	مجموع مربعات	
۰/۲۵۰	۱	۱/۳۵۰	۱۲۷/۳۶۴	صلاحیت اخلاقی
۰/۷۳۳	۱	۰/۱۱۸	۰/۴۵۳	مراقبت فعال از دیگران
۰/۱۲۶	۱	۲/۴۱۲	۹/۰۸۵	انجام عمل اخلاقی
۰/۷۷۱	۱	۰/۰۸۶	۰/۲۰۲	تعهد به عمل درست
۰/۶۷۶	۱	۰/۱۷۷	۰/۲۲۲	خودبخشودگی
۰/۷۴۱	۱	۰/۱۱۰	۰/۲۳۶	تصدیق اشتباهات خود
۰/۳۵۳	۱	۰/۸۷۸	۲/۴۴۳	پذیرش اشتباهات خود
۰/۳۴۴	۱	۰/۹۱۰	۵/۱۲۰	پذیرش اشتباهات دیگران
۰/۸۹۰	۱	۰/۰۱۹	۰/۰۲۱	مورد اعتماد دیگران بودن

جدول ۹. تحلیل کوواریانس نمرات صلاحیت های اخلاقی و مؤلفه های آن برای آزمودن فرضیه های پژوهش

ضریب اِتا (Eta)	سطح معنی داری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات	فرضیات
۰/۰۳۴	۰/۱۶۱	۲/۰۱۷	۱۹۱/۵۰۸	۱	۱۹۱/۵۰۸	پیش آزمون	فرضیه اول
۰/۹۱۱	۰/۰۰۰	۵۸۵/۷۶۳	۵۵۶۰۲/۸۵۹	۱	۵۵۶۰۲/۸۵۹	اثر اصلی	
				۵۷	۵۴۱۰/۶۵	خطای باقیمانده	
۰/۱۰۴	۰/۰۱۳	۶/۶۲۵	۲۵/۰۳۰	۱	۲۵/۰۳۰	پیش آزمون	فرضیه دوم
۰/۸۴۳	۰/۰۰۰	۳۰۵/۵۴۸	۱۱۵۴/۴۸۵	۱	۱۱۵۴/۴۸۵	اثر اصلی	
				۵۷	۲۱۵/۳۷۰	خطای باقیمانده	
۰/۰۴۴	۰/۱۱۰	۲/۶۳۴	۱۰/۱۶۶	۱	۱۰/۱۶۶	پیش آزمون	فرضیه سوم
۰/۹۲۰	۰/۰۰۰	۶۵۵/۴۷۲	۲۵۳۰/۲۸۰	۱	۲۵۳۰/۲۸۰	اثر اصلی	
				۵۷	۲۲۰/۰۳۴	خطای باقیمانده	

۱۶۴ تفکر و کودک، سال ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۰/۰۱۴	۰/۳۷۴	۰/۸۰۲	۱/۸۶۴	۱	۱/۸۶۴	پیش آزمون	فرضیه چهارم
۰/۸۶۸	۰/۰۰۰	۳۷۳/۵۰۳	۸۶۸/۰۳۱	۱	۸۶۸/۰۳۱	اثر اصلی	
				۵۷	۱۳۲/۴۷۰	خطای باقیمانده	
۰/۰۰۱	۰/۷۸۹	۰/۰۷۲	۰/۰۸۹	۱	۰/۰۸۹	پیش آزمون	فرضیه پنجم
۰/۸۵۷	۰/۰۰۰	۳۴۱/۷۲۶	۴۲۲/۳۲۷	۱	۴۲۲/۳۲۷	اثر اصلی	
				۵۷	۷۰/۴۴۴	خطای باقیمانده	
۰/۰۱۰	۰/۴۵۸	۰/۵۵۹	۱/۱۸۳	۱	۱/۱۸۳	پیش آزمون	فرضیه ششم
۰/۸۵۱	۰/۰۰۰	۳۲۶/۳۶۱	۶۹۰/۴۱۸	۱	۶۹۰/۴۱۸	اثر اصلی	
				۵۷	۱۲۰/۵۸۴	خطای باقیمانده	
۰/۰۲۷	۰/۲۱۲	۱/۵۹۶	۴/۴۳۱	۱	۴/۴۳۱	پیش آزمون	فرضیه هفتم
۰/۹۱۵	۰/۰۰۰	۶۱۱/۹۲۶	۱۶۹۸/۷۴۷	۱	۱۶۹۸/۷۴۷	اثر اصلی	
				۵۷	۱۵۸/۳۳۶	خطای باقیمانده	
۰/۰۰۴	۰/۶۱۸	۰/۲۵۱	۱/۴۱۱	۱	۱/۴۱۱	پیش آزمون	فرضیه هشتم
۰/۸۹۱	۰/۰۰۰	۴۶۶/۷۳۰	۲۶۲۱/۲۳۸	۱	۲۶۲۱/۲۳۸	اثر اصلی	
				۵۷	۳۲۰/۱۲۲	خطای باقیمانده	
۰/۰۲۴	۰/۲۴۵	۱/۳۷۹	۱/۴۵۶	۱	۱/۴۵۶	پیش آزمون	فرضیه نهم
۰/۷۲۵	۰/۰۰۰	۱۵۰/۲۲۶	۱۵۸/۶۸۷	۱	۱۵۸/۶۸۷	اثر اصلی	
				۵۷	۶۰/۲۱۰	خطای باقیمانده	

همانطور که در جدول ۹ می توان مشاهده نمود، اثر اصلی برای فرضیه های اول (۰/۰۵ p؛ $F=۶۵۵/۴۷۲$)، سوم (۰/۰۵ p؛ $F=۳۰۵/۵۴۸$)، دوم (۰/۰۵ p؛ $F=۵۸۵/۷۶۳$)، چهارم (۰/۰۵ p؛ $F=۳۷۳/۵۰۳$)، پنجم (۰/۰۵ p؛ $F=۳۴۱/۷۲۶$)، ششم (۰/۰۵ p؛ $F=۳۲۶/۳۶۱$)، هفتم (۰/۰۵ p؛ $F=۱۵۰/۲۲۶$)، هشتم (۰/۰۵ p؛ $F=۴۶۶/۷۳۰$) و نهم (۰/۰۵ p؛ $F=۶۱۱/۹۲۶$) معنی دار است و بنابراین همه فرضیه های پژوهش مورد تأیید قرار می گیرند. به عبارت دیگر، اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان باعث افزایش معنی دار صلاحیت های اخلاقی و هشت مؤلفه آن (مراقبت فعال از دیگران، انجام عمل اخلاقی، تعهد به عمل درست، خودبخوددگی، تصدیق اشتباهات خود، پذیرش اشتباهات خود، پذیرش اشتباهات دیگران و مورد اعتماد دیگران بودن) در دانش آموزان دختر دوره متوسطه شده است. مشاهدات بیان می کند که اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر صلاحیت های اخلاقی و هشت مؤلفه آن با اندازه اثر ۰/۹۱۱، ۰/۸۴۳، ۰/۹۲۰، ۰/۸۶۸، ۰/۸۵۷، ۰/۸۵۱، ۰/۹۱۵، ۰/۸۹۱ و ۰/۷۲۵ تأثیرگذار بوده است.

اثر بخشی آموزش فلسفه به کودکان بر ... (رویا زاغی و دیگران) ۱۶۵

جدول ۱۰. توزیع میزان نمرات متغیرهای صلاحیت اخلاقی در دانش‌آموزان به تفکیک گروه

خطای معیار	انحراف از معیار	میانگین	تعداد	شاخص های آماری	
				کنترل	آزمایش
۰/۴۴۶	۲/۴۴۳	۱۵/۶۰۰	۳۰	کنترل	مراقبت فعال از دیگران
۰/۲۷۷	۱/۵۲۲	۲۶/۴۰۰	۳۰	آزمایش	
۰/۴۶۳	۲/۵۳۷	۱۷/۹۰۰	۳۰	کنترل	انجام عمل اخلاقی
۰/۲۲۳	۱/۲۲۴	۳۱/۵۰۰	۳۰	آزمایش	
۰/۳۲۷	۱/۷۹۴	۱۰/۴۳۳	۳۰	کنترل	تعهد به عمل درست
۰/۲۱۷	۱/۱۸۸	۱۸/۰۳۳	۳۰	آزمایش	
۰/۲۱۹	۱/۲۰۱	۷/۸۳۳	۳۰	کنترل	خودبخشودگی
۰/۱۸۱	۰/۹۹۴	۱۳/۳۳۳	۳۰	آزمایش	
۰/۳۲۴	۱/۷۷۵	۱۰/۴۶۶	۳۰	کنترل	تصدیق اشتباهات خود
۰/۱۸۶	۱/۰۲۲	۱۷/۳۰۰	۳۰	آزمایش	
۰/۳۶۱	۱/۹۸۱	۱۵/۲۶۶	۳۰	کنترل	پذیرش اشتباهات خود
۰/۲۳۶	۱/۲۹۷	۲۶/۸۰۰	۳۰	آزمایش	
۰/۵۰۳	۲/۷۵۵	۱۷/۸۳۳	۳۰	کنترل	پذیرش اشتباهات دیگران
۰/۳۴۱	۱/۸۶۹	۳۱/۴۳۳	۳۰	آزمایش	
۰/۲۰۱	۱/۱۰۴	۵/۴۳۳	۳۰	کنترل	مورد اعتماد دیگران بودن
۰/۱۷۳	۰/۹۵۲	۸/۷۰۰	۳۰	آزمایش	

جدول ۱۱. نتایج آزمون بن فرونی برای مقایسه نمرات پیش آزمون و پس آزمون صلاحیت های اخلاقی و مؤلفه های آن در گروه های کنترل و آزمایش

متغیر		تفاوت میانگین های تعدیل شده	خطای معیار	سطح معنی داری
صلاحیت اخلاقی	پیش آزمون	۶/۷۶۶	۲/۰۸۵	۰/۰۹۹
	پس آزمون	۷۲/۸۳۳	۲/۰۸۵	۰/۰۰۰
مراقبت فعال از دیگران	پیش آزمون	۱/۸۳۳	۰/۴۷۸	۰/۱۰۱
	پس آزمون	۱۰/۸۰۰	۰/۴۷۸	۰/۰۰۰
انجام عمل اخلاقی	پیش آزمون	۰/۹۳۳	۰/۵۰۰	۰/۳۹۰
	پس آزمون	۱۳/۶۰۰	۰/۵۰۰	۰/۰۰۰
تعهد به عمل درست	پیش آزمون	-۰/۱۰۰	۰/۴۱۶	۱/۰۰۰
	پس آزمون	۷/۶۰۰	۰/۴۱۶	۰/۰۰۰

۰/۶۱	۰/۳۰۵	۰/۸۰۰	پیش آزمون	خودبخشودگی
۰/۰۰۰	۰/۳۰۵	۵/۶۰۰	پس آزمون	
۰/۹۴۸	۰/۴۲۲	۰/۶۰۰	پیش آزمون	تصدیق اشتباهات خود
۰/۰۰۰	۰/۴۲۲	۶/۸۳۳	پس آزمون	
۰/۲۲۰	۰/۴۶۱	۱/۳۶۶	پیش آزمون	پذیرش اشتباهات خود
۰/۰۰۰	۰/۴۶۱	۱۱/۵۳۳	پس آزمون	
۰/۷۶۸	۰/۵۶۵	۰/۸۶۶	پیش آزمون	پذیرش اشتباهات دیگران
۰/۰۰۰	۰/۵۶۵	۱۳/۶۰۰	پس آزمون	
۰/۴۸۶	۰/۲۶۵	۰/۴۶۶	پیش آزمون	مورد اعتماد دیگران بودن
۰/۰۰۰	۰/۲۶۵	۳/۲۶۶	پس آزمون	

با توجه به داده های جدول ۱۰ مشاهده می شود که میزان میانگین مراقبت فعال از دیگران، انجام عمل اخلاقی، تعهد به عمل درست، خودبخشودگی، تصدیق اشتباهات خود، پذیرش اشتباهات خود، پذیرش اشتباهات دیگران و مورد اعتماد دیگران بودن دانش آموزان در گروه کنترل به ترتیب برابر با ۱۵/۶۰۰، ۱۷/۹۰۰، ۱۰/۴۳۳، ۷/۷۳۳، ۱۰/۴۶۶، ۱۵/۲۶۶، ۱۷/۸۳۳ و ۵/۴۳۳ بوده و در گروه آزمایش به ترتیب ۲۶/۴۰۰، ۳۱/۵۰۰، ۱۸/۰۳۳، ۱۳/۳۳۳، (۱۷/۳۰۰)، (۲۶/۸۰۰)، (۳۱/۴۳۳) و (۸/۷۰۰) می باشد. با توجه به بزرگتر بودن میزان میانگین مراقبت فعال از دیگران، انجام عمل اخلاقی، تعهد به عمل درست، خودبخشودگی، تصدیق اشتباهات خود، پذیرش اشتباهات خود، پذیرش اشتباهات دیگران و مورد اعتماد دیگران بودن دانش آموزان گروه آزمایش از میزان میانگین گروه کنترل می توان نتیجه گرفت که آموزش فلسفه به کودکان بر صلاحیت های اخلاقی دانش آموزان تاثیر دارد و منجر به افزایش ویژگی ها و صلاحیت های اخلاقی در بین دانش آموزان می گردد. همچنین، با توجه به جدول ۱۱ بین نمرات پس آزمون صلاحیت های اخلاقی و مؤلفه های آن بر اساس نتایج آزمون بن فرونی اختلاف معنی دار وجود دارد ($p < 0/05$). بنابراین، فرضیه های پژوهش تأیید و فرضیه های خلاف رد می گردند.

۵. بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف اثر بخشی آموزش فلسفه به کودکان بر صلاحیت های اخلاقی دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر گرگان انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان بر صلاحیت های اخلاقی دانش آموزان تاثیر دارد و در عین حال منجر به

اثر بخشی آموزش فلسفه به کودکان بر ... (رویا زاغی و دیگران) ۱۶۷

افزایش ویژگی صلاحیت های اخلاقی در بین دانش آموزان می گردد. این یافته بدین معناست که شرکت دانش آموزان در جلسات آموزش فلسفه برای کودکان که شامل بحث و گفتگو درباره داستان های فلسفی و تفکرات عمیق و کندوکاو موضوعات مختلف اخلاقی است، موجب رشد ظرفیت اخلاقی در آنها شده است. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات نویدیان و همکاران (۱۳۹۸)، اعتصامی و شفیع آبادی (۱۳۹۸)، جلیلیان و همکاران (۱۳۹۵)، کسیدی (Cassidy 2022)، یسنن (Jensen 2021) و زولکیفلی و هاشم (Zulkifli & Hashim 2020) هم سو است، ولی نتایج این پژوهش با یافته های سلیمان پور عمران و یساولی (۱۴۰۰) و عظیم پور و همکاران (۱۳۹۵) که اعلام کردند برنامه آموزش فلسفه برای کودکان تأثیر معنی داری بر قضاوت اخلاقی و تحول اخلاقی دانش آموزان ندارد، مغایرت دارد.

در تبیین یافته های پژوهش حاضر می توان عنوان کرد که رشد صلاحیت های اخلاقی را نمی توان به عنوان یک فرآیند متوالی و مستقیم در نظر گرفت بلکه می توان آن را به عنوان فرایند بلوغ و پیشرفت به سوی کمالی دانست که مجموعه وسیعی از صلاحیت های اخلاقی را دربرمی گیرد. بنابراین، آموزش اصول اخلاقی به شیوه درست و صحیح برای کودکان و نوجوانان در سنین مدرسه امری ضروری است همانطور که در مطالعه حاضر نیز باعث ارتقاء صلاحیت های اخلاقی در کودکان از نظر همه ابعاد مورد بررسی شده است که با نتایج مطالعه مالبووف-هورتویس و همکاران (Malboeuf-Hurtubise et al. 2021) نیز مطابقت دارد. در واقع، برنامه آموزش فلسفه برای کودکان، فضایی را در اختیار دانش آموزان قرار می دهد تا بتوانند با دیگران در مورد اینکه در آینده می خواهند تبدیل به چگونه فردی شوند و در چه جامعه ای می خواهند زندگی کنند، به بحث و گفتگو بپردازند. این گفتگوها در فضای ارتباطی و مشارکتی، زاده دیالوگ های فلسفی هستند که در آن کودکان و نوجوانان به همراه معلمانشان در مورد اصول اخلاقی که از نظرشان ارزشمند است، کندوکاو می کنند. برای این منظور، کلاس درس باید تبدیل به یک حلقه کندوکاو فلسفی شود که در آن، دانش آموزان و معلم در فضایی مملو از احترام به یکدیگر گوش فرا می دهند و ایده های خود را مطرح کرده و انتقادات خود را به صورت متقابل مطرح کرده و از ایده هایی که با آنها موافقت با دلیل و منطق درست حمایت می کنند. در واقع، مشارکت در همین فضای کندوکاو است که باعث رشد مهارت های شناختی و اخلاقی در دانش آموزان می شود. در مطالعه حاضر نیز، حضور دانش آموزان در جلسات کندوکاو باعث رشد معنی دار مهارت های اخلاقی آنها در مقایسه با گروه کنترل که در این جلسات شرکت نکردند، شد که با نتایج گارسیا-موریون و همکاران (García-Moriyón et al.)

(2020) همسو می باشد. در واقع، شرکت دانش آموزان در جلسات کندوکاو فلسفی موجب شده است تا تفکر مراقبتی آن ها بر اثر رشد انواع مهارت های استدلال، پژوهش و ترجمه ای توسعه یابد. به این معنا که وقتی دانش آموزان در حلقه کندوکاو کلاسی درباره موضوعات آزادی، دوستی، وفاداری به شیوه استدلال گروهی و کاوش گری انتقادی بحث می کنند این جلسات موجب رشد استدلال های اخلاقی آن ها می شود. از سوی دیگر رشد مهارت های پژوهشی دانش آموزان یعنی مطرح کردن فرضیه های مختلف و در نظر گرفتن راه کارها، خودش نیز ابزاری برای کسب تفکری مسئولانه محسوب می شود. در هر حال نباید نقش مهارت تخیل در قضاوت اخلاقی را نادیده گرفت. همه داستان هایی که در جلسات حلقه کندوکاو مطرح شدند فرصتی را تجربه کردند که درباره شخصیت های داستان خیال پردازی کنند. این فرصت ها موجب شد تا آنها خود را به جای افرادی قرار دهند که در معرض رفتار آن ها هستند و از این طریق به این درک برسند که دیگران با عواطف، باورها و خواسته هایی که دارند از عمل آن ها چه سود، زیان، لذت و یا درد و رنجی دریافت می کنند. تأثیر مثبت این داستان ها در ارتقاء صلاحیت های اخلاقی دانش آموزان در مطالعه حاضر با نتایج مطالعه حمیدی و همکاران (۱۳۹۹) نیز همسو می باشد. همچنین، اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان در مطالعه حاضر از طریق تشکیل حلقه های کندوکاو با اثربخشی بر خصیصه هایی از قبیل تفکر انتقادی نیز منجر به رشد مهارت ها و صلاحیت های اخلاقی در بین دانش آموزان گردید که با نتایج مطالعه رومبوت و همکاران (Rombout et al. 2022) مطابقت دارد.

یکی دیگر از دلایل موفقیت برنامه آموزش فلسفه برای کودکان در بهبود صلاحیت های اخلاقی دانش آموزان می تواند این حقیقت باشد که اجرای این برنامه، بر خلاف شیوه های سنتی و مستقیم آموزش اخلاق در مدارس، باعث ایجاد هیجان و مشارکت فعال دانش آموزان می شود. طی اجرای این برنامه، دانش آموزان با علاقه به داستان ها گوش فرا می دهند و مشارکت فعالانه ای در گفتگوها دارند. همچنین، دانش آموزان جلسات کندوکاو فلسفی را دوست دارند و مشتاقانه منتظر جلسات بعدی هستند. این نکته حائز اهمیت بسزایی می باشد چرا که یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت روش های مستقیم که در حال حاضر در مدارس به کار گرفته می شوند این است که این روش ها برای دانش آموزان کسل کننده هستند. این مهم در نتایج مطالعه حاضر نیز نمود پیدا کرده است به طوری که استفاده از روش آموزش فلسفه برای کودکان به عنوان یک روش غیرمستقیم باعث رشد قابل ملاحظه در ابعاد مختلف صلاحیت های اخلاقی دانش آموزان گردیده است که با نتایج نویدیان و همکاران (۱۳۹۸) نیز

مطابقت دارد. این نتیجه گیری همچنین با یافته های کورتیس و همکاران (Curtis et al. 2020: 2) نیز در یک راستاست چرا که آنها هم به این نتیجه رسیدند که گفتگوهایی که در قالب حلقه‌های کندوکاو بین معلم و دانش آموزان شکل می‌گیرد، کلید اصلی موفقیت و برتری روش آموزش فلسفه برای کودکان در مقایسه با روش های سنتی می باشد. در واقع، برنامه های آموزش اخلاق به شیوه مستقیم به دلیل اینکه صرفاً آموزه هایی ذهنی بوده و حقیقت عینی را در اختیار دانش آموزان قرار نمی دهند، مورد انتقاد بوده اند، در حالی تشکیل حلقه های کندوکاو و اجرای برنامه آموزش فلسفه برای دانش آموزان این مشکل را برطرف کرده و با عینیت دهی به آموزه های اخلاقی منجر به رشد و پرورش صلاحیت های اخلاقی در بین دانش آموزان می‌گردد که در مطالعه حاضر نیز این موضوع همسو با نتایج بلیزبی (Bleazby 2020: 87) با توجه به ارتقاء معنی دار صلاحیت های اخلاقی در گروهی که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان را دریافت کردند، مشاهده گردید.

در مجموع می توان گفت آموزش فلسفه به کودکان از طریق رشد مهارت های مختلف استدلال بر صلاحیت های اخلاقی دانش آموزان تأثیر مثبت دارد. لذا می توان نتیجه گرفت یادگیری صلاحیت های اخلاقی بدون کمک بزرگسالان و آموزش ممکن نیست. بنابراین محیط آموزشی کلاس های فلسفه برای کودکان موجبات کسب و رشد صلاحیت های اخلاقی را برای دانش آموزان فراهم می کند. باتوجه به نتایج پژوهش حاضر می توان گفت که اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان موجب کسب صلاحیت های اخلاقی آنان شده است و در این راستا رسالت نهادهای آموزشی که تربیت حقیقی یادگیرندگان از وظایف اصلی آن ها محسوب می شود بیش تر آشکار می شود. زیرا ارائه روش های سنتی، تحمیلی و یک طرفه گاهی به پرورش رویه های نامناسبی نظیر ریا و تظاهر در دانش آموزان منجر می شود. از این رو ارزش ها و باورهایی که با کنکاش و فلسفه ورزی به دست می آیند هم از پایداری بیش تری برخوردارند و هم فرد به آن ها خودآگاهی و تعهد بیش تری خواهد داشت.

با نگاهی به اصول هفتگانه آموزش و پرورش و نتایج پژوهش حاضر مبرهن است که اصول تعلیم و تربیت کشف کردنی هستند و نه وضع کردنی و بنابراین پدیده های تربیتی را نمی توان در چارچوب قوانین معین آموزش داد. لذا بدون پرداختن به فلسفه اولین هدف تعلیم و تربیت که همان پرورش شهروندانی معقول و پویاست به فراموشی سپرده می شود. از سوی دیگر کوشش اغلب نظام های تربیتی معطوف به انباشته کردن ذهن دانش آموزان با معلوماتی است که تنها تا هنگام ارزشیابی های معمول پایدار است و الگوی حافظه مدار موجب

سطحی‌نگری و عدم توجه به حقایق بنیادی از جمله اخلاق شده است. لذا به مسئولین و دست‌اندرکاران نظام آموزشی پیشنهاد می‌شود که برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان را جایگزین الگوی تاملی سازد. زیرا تفکر فلسفی به تقویت مهارت‌های استدلالی، تمیز و داوری منجر شده و می‌تواند نظام تعلیم و تربیت ما را به نظامی پویا و فعال تبدیل نماید. بر مبنای نتیجه پژوهش حاضر مبنی بر این که اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش صلاحیت‌های اخلاقی تاثیر گذار است، رسالت نهادهای آموزشی که تربیت حقیقی یادگیرندگان از وظایف اصلی آن‌ها محسوب می‌شود بیشتر آشکار می‌شود. ارزش‌ها را نمی‌توان به کودکان تلقین کرد و ارائه روش‌های سنتی، تحمیلی و یک‌سویه در آموزش این مسائل نیز نه تنها بی‌جواب خواهد ماند بلکه گاهی نتیجه معکوس به دنبال خواهد داشت و به پرورش رویه‌های نامناسبی نظیر ریا و تظاهر در کودکان منجر خواهد شد. از این رو مسئولین نظام آموزشی در تربیت اخلاقی باید به درونی‌سازی مفاهیم اخلاقی در کودکان همت گمارند و آن‌چه که در این زمینه یاری‌گر خواهد بود آموزش مهارت‌های فلسفی و ایجاد گرایش‌های مثبت به ارزش‌های مربوطه است، چرا که ارزش‌ها و باورهای که با کنکاش و فلسفه‌ورزی به دست می‌آیند هم از پایداری و دوام بیش‌تری برخوردارند و هم فرد به آن‌ها خودآگاهی و تعهد بیش‌تری خواهد داشت.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود که مهمترین آنها شامل تعداد زیاد دانش‌آموزان در کلاس و همچنین روش انتخاب آزمودنی‌ها و محدود بودن نمونه به جامعه پسران بودند. در پایان، پیشنهاد می‌شود که پژوهشی تحت همین عنوان در استان‌های دیگر کشور انجام و نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر مقایسه شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد که پژوهشی در حیطه تاثیر آموزش فلسفه به کودکان بر سلامت روان آنها انجام شود.

کتاب‌نامه

- اعتصامی، حمیده و شفیع آبادی، عبدالله، (۱۳۹۸)، «اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان پسر پایه ششم دبستان»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، س ۱۳، ش ۵۲، صص ۲۵۵-۲۳۳.
- بدری‌گرگری، رحیم و واحدی، زهرا (۱۳۹۴)، «تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر رشد هوش اخلاقی دانش‌آموزان دختر»، فصلنامه تفکر و کودک، س ۶، ش ۱، صص ۱۷-۱.
- سلیمان پورعمران، محبوبه و یساولی، ناهید (۱۴۰۰)، «تأثیر برنامه درسی P4C (فلسفه برای کودکان) بر عشق به یادگیری و قضاوت اخلاقی کودکان»، فصلنامه تفکر و کودک، س ۱۲، ش ۱، صص ۷۳-۵۹.

اثر بخشی آموزش فلسفه به کودکان بر ... (رویا زاغی و دیگران) ۱۷۱

سهیلا جلیلیان، سهیلا، عظیم پور، احسان و جلیلیان، فریبا (۱۳۹۵)، «اثر بخشی برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش توانایی حل مسأله و قضاوت اخلاقی در دانش آموزان»، پژوهش های تربیتی، ش ۳۲، صص ۸۰-۱۰۱.

حمیدی، فریده، امام جمعه، محمدرضا و نامی، امیر (۱۳۹۹)، «تأثیر روش تدریس گفتگویی در حلقه های کندوکاو فلسفی بر تفکر تأملی دانش آموزان ابتدایی»، مجله تازه های علوم شناختی، ۲۲، ش ۲، صص ۱۳۱-۱۲۰.

خسروی، زهره و باقری، خسرو (۱۳۸۷)، «راهنمای درونی کردن ارزش های اخلاقی از طریق برنامه درسی»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ش ۲، صص ۸-۱۰۵.

عبداله پور، رؤیا، سرمدی، محمدرضا، پیرانی، ذبیح و سیفی محمد (۱۳۹۸)، «تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان (فبک) بر نگرش اخلاقی دانش آموزان و تبیین مؤلفه های آن از منظر قرآن»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۴۳، صص ۱۴۳-۱۱۳.

عظیم پور، علی رضا، اسکندی، حسین و ابراهیمی قوام، صغری (۱۳۹۵)، «بررسی اثرگذاری آموزش فلسفه به کودکان بر تحول اخلاقی دانش آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی در شهر تهران»، مجله مطالعات روانشناسی تربیتی، ش ۲۳، صص ۸۲-۶۵.

مرعشی، منصور، رحیمی نسب، حجت الله و لسانی، مهدی (۱۳۸۷)، «امکان سنجی اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان در برنامه درسی دوره ابتدایی»، فصلنامه نوآوری های آموزشی، ش ۷، صص ۲۸-۷.

نادری، عزت الله، تجلی نیا، امیر، شریعتمداری، علی و سیف نراقی، مریم (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در پرورش خلاقیت دانش آموزان پسر پایه اول مقطع متوسطه منطقه ۹ تهران»، فصلنامه تفکر و کودک، ش ۳، صص ۱۱۷-۹۱.

نویدیان، انور، واحدی، شهرام، فتحی آذر، اسکندر و بدری گرگری، رحیم (۱۳۹۸). «تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان با استفاده از داستانهای بومی در رشد اخلاقی دانش آموزان ابتدایی»، تدریس پژوهی، ش ۷، صص ۶۹-۵۴.

Audi, R. (2009). Moral virtue and reasons for action. *Philos. Issues*, 19, 1-20.

Bleazby, J. (2020). Fostering moral understanding, moral inquiry & moral habits through philosophy in schools: a Deweyian analysis of Australia's Ethical Understanding curriculum. *Journal of Curriculum Studies*, 52, 84-100.

Calado, F., Alexandre, J., & Griffiths, M.D. (2017). Prevalence of adolescent problem gambling: a systematic review of recent research. *Journal of Gambling Studies*, 33, 397-424.

Cassidy, C. (2022). Philosophy with Children as and for Moral Education. In: *Conceptions of Childhood and Moral Education in Philosophy for Children* (Eds. Dina Mendonça Florian Franken Figueiredo). J.B. Metzler, Berlin, Heidelberg.

- Cassidy, C., Marwick, H., Deeney, L., & McLean, G. (2018). Philosophy with children, self-regulation and engaged participation for children with emotional-behavioural and social communication needs. *Emotional and Behavioural Difficulties*, 23 (1), 81-96.
- Catalano, R.F., Berglund, M.L., Ryan, J.A., Lonczak, H.S., & Hawkins, J.D. (2004). Positive youth development in the United States: research findings on evaluations of positive youth development programs. *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 591, 98-124.
- Cohen, T.R., & Morse, L. (2014). Moral character: what it is and what it does. *Research in Organizational Behavior*, 34, 43-61.
- Cohen, T.R., Panter, A.T., Turan, N., Morse, L., & Kim, Y. (2014). Moral character in the workplace. *Journal of Personality and Social Psychology*, 107 (5), 943-963.
- Cook, E.C., Pflieger, J.C., Connell, A.M., & Connell, C.M. (2015). Do specific transitional patterns of antisocial behavior during adolescence increase risk for problems in young adulthood? *Journal of Abnormal Child Psychology*, 43, 95-106.
- Crossan, M., Mazutis, D., Seijts, G., & Gandz, J. (2013). Developing leadership character in business programs. *Academy of Management Learning and Education*, 12 (2), 285-305.
- Curtis, E., Lunn Brownlee, J., & Spooner-Lane, R. (2020). Teaching perspectives of philosophical inquiry: Changes to secondary teachers' understanding of student learning and pedagogical practices. *Thinking Skills and Creativity*, 38, 100711.
- Di Masi, D., & Santi, M. (2016). Learning democratic thinking: A curriculum to philosophy for children as citizens. *Journal of Curriculum Studies*, 48(1), 136-150.
- García-Moriyón, F., González-Lamas, J., Botella, J., González Vela, J., Miranda-Alonso, T., Palacios, A., & Robles-Loro, R. (2020). Research in moral education: the contribution of P4C to the moral growth of students. *Education Sciences*, 10, 1-13.
- Humberto, M., Moura, F., & Giannotti, M. (2022). Incorporating children's views and perceptions about urban mobility: Implementation of the "philosophy with children" inquiry approach with young children. *Travel Behaviour and Society*, 26, 168-177.
- Jensen, S.S. (2021). The Impact of philosophy with children from the perspective of teachers. *Educational Studies*, doi: 10.1080/03055698.2020.1871323.
- Lam, C.M. (2021). The impact of Philosophy for Children on teachers' professional development. *Teachers and Teaching*, 27 (7), 642-655.
- Liu, X., Lv, Y., Ma, Q., Guo, F., Yan, X., and Ji, L. (2016). The basic features and patterns of character strengths among children and adolescents in china. *Studies of Psychology and Behavior*, 14, 167-176.
- Lo, T.W., Cheng, C.H.K., Wong, D.S.W., Rochelle, T.L., & Kwok, S.I. (2011). Self-esteem, self-efficacy and deviant behavior of young people in Hong Kong. *Advances in Applied Sociology*, 1, 48-55.
- Martin, D.E., & Austin, B. (2010). Validation of the moral competency inventory measurement instrument: Content, construct, convergent and discriminant approaches. *Management Research Review*, 33 (5), 437-451.

اثر بخشی آموزش فلسفه به کودکان بر ... (رویا زاغی و دیگران) ۱۷۳

- Mehdiyev, G., & Yarali, K.T. (2020). The Effectiveness of training of philosophy with children on children's attitudes toward human values. *Bayburt Eğitim Fakültesi Dergisi*, 29, 251-279.
- Morales- Sanchez, R., Cabello- Medina, C., 2015. Integrating character in management: virtues, character strengths, and competencies. *Business Ethics: A European Review*, 24, S156-S174.
- Park, N., & Peterson, C. (2006). Moral competence and character strengths among adolescents: the development and validation of the Values in Action Inventory of Strengths for Youth. *Journal of Adolescence*, 29, 891-909.
- Rombout, F., Schuitema, J.A., & Volman, M.L.L. (2022). Teaching strategies for value-loaded critical thinking in philosophy classroom dialogues. *Thinking Skills and Creativity*, 43, 100991.
- Säre, E., Luik, P., & Tulviste, T. (2016). Improving preschoolers' reasoning skills using the philosophy for children programme. *Trames: A Journal of the Humanities and Social Sciences*, 20(3), 273-295.
- Shek, D.T.L., & Zhu, X. (2018). Self-reported risk and delinquent behavior and problem behavioral intention in Hong Kong adolescents: the role of moral competence and spirituality. *Frontiers in Psychology*, 9, 430.
- Stams, G.J., Brugman, D., Dekovic, M., van Rosmalen, L., van der Laan, P., & Gibbs, J. C. (2006). The moral judgment of juvenile delinquents: a metaanalysis. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 34, 697-713.
- Valor, C., Antonetti, P., & Merino, A. (2020). The relationship between moral competences and sustainable consumption among higher education students. *Journal of Cleaner Production*, 248, 119161.
- van der Straten Waillet, N., Roskam, I., & Possoz, C. (2015). On the epistemological features promoted by 'philosophy for children' and their psychological advantages when incorporated into RE. *British Journal of Religious Education*, 37(3), 273-292.
- Vansielegheem, N. (2014). What is philosophy for children? From an educational experiment to experimental education. *Educational Philosophy and Theory*, 46, 1300-1310.
- Vansielegheem, N., & Kennedy, D. (2011). What is philosophy for children, what is philosophy with children—After Matthew Lipman? *Journal of Philosophy of Education*, 45, 171-182.
- Wang, J., Ferris, K.A., Hershberg, R.M., & Lerner, R.M. (2015). Developmental trajectories of youth character: a five-wave longitudinal study of cub scouts and non-scout boys. *Journal of Youth and Adolescence*, 44, 2359-2373.
- Yan, S., Walters, L.M., Wang, Z., & Wang, C.C. (2018). Meta-analysis of the effectiveness of philosophy for children programs on students' cognitive outcomes. *Analytic Teaching and Philosophical Praxis*, 39, 13-33.
- Zulkifli, H., & Hashim, R. (2020). Philosophy for children (P4C) in improving critical thinking in a secondary moral education class. *International Journal of Learning, Teaching and Educational Research*, 19 (2), 29-45.